

شعارهای انقلاب اسلامی*

بسم الله الرحمن الرحيم

«رب اشرح لي صدري و يسرلي أمري واحلل عقدة من لساني يفقهوا قولي»
 صحبتی که من خدمتتان خواهم داشت، در رابطه با شعارهای انقلاب اسلامی است. همه ما واقف هستیم که شعار همیشه یکی از ابعاد بسیار مهم یک حرکت انقلابی بوده و خواهد بود و از منابع بسیار مهم و اساسی برای شناخت ماهیت یک انقلاب و آرمان‌های آن است. مثلاً ما اگر به تاریخ توجه کنیم در اولین انقلاب اسلامی که به وسیله حضرت پیامبر اکرم (ص) بنیان گذاری شد، شعار «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» و شعار «لا اله الا الله» و شعار «الله اکبر» از شعارهای اساسی این انقلاب و نشان دهنده ماهیت این حرکت و اهداف آن بودند، همچنین نقش بسیار مهمی را در جریان شکل‌گیری، تدوین و استقرار اسلام ایفا کردند. همینطور در قیام امام حسین (ع)، شعارهای متعددی دیده می‌شود که به وسیله امام حسین (ع) مطرح شده است و ماهیت قیام امام حسین (ع) را روشن می‌سازد. شعارهایی مانند «إن الحياة عقيدة و جهاد» «هیئات منا الذلّة» یا شعارهایی از این قبیل، همه نشان دهنده ماهیت جنبش امام بر علیه نظام ستمگر اموی است و مشخص می‌کند که اهداف امام چیست و ایشان چه برداشتی از شرایط موجود در زمان خودش دارد. «انی لا أرى الموت الا سعادة و الحياة مع الظالمین الا بر ما» بیانگر این نکته است که وضعیت موجودی که امام خودش را در آن پیدا می‌کند، وضعیتی ستمگرانه و غیر قابل تحمل است که نباید آن را تحمل کرد و همچنین نشان می‌دهد که هدف و جهت‌گیری امام چیست. در انقلاب اسلامی و سایر انقلاب‌ها هم به همین شکل، همه انقلاب‌ها شعارهایی داشتند که نقش بسیار مؤثری را در جریان انقلاب بازی

* دکتر محمدحسین پناهی، عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

کردند. از مهمترین ابعاد این شعارها یکی این است که شعارها نشان می‌دهند؛ چرا وضع موجود در آن جامعه وضع نامطلوب و غیر قابل تحملی است و وضعی است که باید با آن مبارزه کرد. و همین‌طور نشان می‌دهند که چه اهداف و آرمان‌هایی مطلوب یک انسان و جامعه‌ای انسانی است. و باید آنها را محور حرکت و فعالیت‌های خود قرار داد، بنابراین هم وضعیت موجود و چگونگی آن را مطرح می‌کند و هم آرمان‌هایی که باید برای تحقق آن کوشش و جانفشانی و حرکت کرد. چگونگی حرکت و جمع کردن و بسیج توده مردمی برای حرکت‌های انقلابی خیلی مهم هستند. بنابراین لازم است تا شعارهای انقلاب اسلامی جمع‌آوری و بررسی شده و سپس تجزیه و تحلیل شود و آنگاه به عنوان یکی از منابع مهم شناخت انقلاب و همین‌طور به عنوان یکی از دستاوردها و گنجینه‌های فرهنگی انقلاب از آنها پاسداری گردد. ما یک تحقیق نسبتاً وسیع ملی انجام دادیم، تا شعارهایی را که به طور پراکنده تا آن زمان جمع‌آوری شده بودند، به صورت منظم، علمی جمع‌آوری کنیم و نیز شعارها را از غیر شعارها مشخص و تفکیک کنیم و پس از آن شعارهای واقعی را تجزیه و تحلیل و بررسی نماییم و به عنوان دستاوردی که باید از آن به عنوان فرهنگ انقلاب پاسداری کرد حفظ و نگهداری کنیم. به هر حال این کار انجام شد و من خوشحالم که توانسته‌ام بدین طریق کاری را انجام دهم و کمک و خدمتی؛ هر چند ناچیز به شناخت انقلاب اسلامی و اهداف آن بنمایم. به هر حال شعارها همان‌طور که عرض کردم، بسیار اساسی هستند. نکته‌هایی را در رابطه با شعارها و چگونگی توضیح و تحول آنها و نیز نوع برخوردی که احیاناً ما الان باید در یک وضعیت این‌چنینی که در آن هستیم انجام دهیم، بعد از اینکه ما این تحقیق را انجام دادیم، شعارها را در شش محور مختلف تفکیک کردیم. مجموعاً از این بررسی، که حدوداً چهار سال تقریباً - از مهرماه سال ۵۶ تا مهر ۶۰ - را در برمی‌گرفت بیش از چهارهزار شعار انقلابی بدست آمد. در بررسی که بنده از انقلاب‌ها کردم، هیچ انقلابی این تعداد شعار - حتی نزدیک به این تعداد شعار - نداشته است. من در هیچ انقلابی بیش از صد شعار پیدا نکردم و این یکی از ویژگی‌های خاص انقلاب اسلامی است، که تعداد بسیار زیادی شعار انقلابی در آن مطرح شده و به تعبیر من در این انقلاب، شعار در واقع جایگزین سلاح شده و آن کارها که در انقلاب‌های دیگر، شاید سلاح انجام داده، در این انقلاب شعار بیشترین نقش را ایفا کرده است و این بحث متعدد شعارهای انقلاب

حایز اهمیت بسیار است. به هر حال این شعارها اگر بتوانیم آن را به نوعی دسته‌بندی ۲۱۵ کنیم، می‌تواند همین طور باشد که ما انجام دادیم و البته دسته‌بندی‌های دیگر هم می‌توان کرد. یک سری از این شعارها در وضع نامطلوب نظام گذشته بود که چرا نظام پهلوی غیر قابل تحمل هست؟ چرا این چنین رژیمی را باید نابود و با آن مبارزه کرد؟ چرا باید آن نظام برود؟ شعارهایی که در این زمینه‌ها بوده است حدود ۸۸۵ شعار می‌باشد که ۲۱ درصد این شعارها را تشکیل می‌داده است. برای من حجم وسیعی از شعارها مربوط بوده به نفی وضع موجود آن زمان. شعارهایی که درباره اهداف و آرمان‌های انقلاب بود؛ چیزی که می‌خواهد جایگزین این وضع موجود بشود، ایده‌آلهایی که انقلابیون و مردم داشتند و می‌خواستند آن را جایگزین وضع موجود بکنند. این شعارها حدود ۱۸٪ از کل را شامل می‌شوند که در بررسی با ۷۳۸ شعار این زمینه بدست آمد. یک سری از شعارها درباره چگونگی سرنگون کردن نظام بود. با چه وسایلی، با چه امکاناتی و با چه استراتژی و خط‌مشی‌هایی باید این نظام را سرنگون کرد؟ شعارهایی که در این زمینه مطرح شده ۸۶۰ شعار بوده که حدود ۲۱٪ شعارهاست. شعارهایی که پس از سرنگون شدن نظام، درباره گروه‌های مختلف، ایدئولوژی‌های مختلف و وقایع مختلف که در جریان پسن از سرنگونی نظام پیش آمد، حدود ۱۴٪ این شعارها بوده که ۵۹۳ شعار در این زمینه بوده است. یک سری از این شعارها درباره شخصیت‌های انقلابی و در رأس آنها شخصیت حضرت امام بوده است به طور بسیار برجسته و بارز و در سطح کاملاً غیر قابل مقایسه با بقیه قرار می‌گیرد که حدود ۶۴۱ شعار یا ۱۵/۵٪ شعارها در این زمینه بوده است. شعارهایی درباره شخصیت‌های انقلاب و یک سری از شعارها به دوستان و دشمنان بین‌المللی انقلاب، نظام‌ها و شخصیت‌های سیاسی بین‌المللی که در واقع انقلابیون در آن جهت‌گیری بین‌المللی می‌کردند بالغ بر ۴۳۴ شعار بوده و حدود ۱۰٪ از شعارها را شامل می‌شده است. نکته جالبی که در این ۴۳۴ شعار دیده می‌شود، این است که یک شعار پیدا نمی‌کنیم که در حمایت از یک کشور خارجی باشد و این نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی حمایتی از هیچ کشور خاصی نداشته و صرفاً متکی بر خود و اهداف و رهبری خویش بوده است و اگر هم شعارهایی در حمایت از شخصیت‌ها و یا جریان‌های خارجی بوده، مربوط به جریان‌های انقلابی بوده است؛ مثلاً جنبش فلسطین و غیره. اما در رابطه با هیچ کشوری ما نمی‌بینیم که شعاری در

حمایت آن گفته شده باشد. البته طبیعی است که در رأس همه این نظام‌ها و شخصیت‌های بین‌المللی که منفور انقلاب و انقلابیون بوده‌اند آمریکا و رژیم این کشور قرار گرفته است. این شعارها را می‌شود به نوعی دیگر نیز دسته‌بندی کرد. در واقع این ۶ دسته شعار را می‌توان به ۲ قسمت تقسیم کرد. یک قسمت شعارهایی که مربوط به آرمانها و اهداف انقلاب و آنچه که انقلاب باید ایجاد بکند و تحقق بدهد هستند و بقیه شعارها هم در دسته‌ای قرار می‌گیرد که مربوط به شرایط گذشته و فرایند انقلاب است، بدیهی است که شعارهایی که مربوط به گذشته و فرایند انقلاب است؛ تدریجاً تبدیل به تاریخ می‌شوند و در جریان تحولاتی که اتفاق می‌افتد، دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گیرند و دیگر به عنوان گفتمان‌های تحرک برانگیز نخواهند بود و فقط برای تحقیقات و برای بررسی‌های تاریخی و علمی و انقلاب می‌توانند مفید باشند. آنچه که بسیار اهمیت دارد شعارهایی مربوط به آرمانها و اهداف انقلاب است که همیشه مورد پرسش قرار می‌گیرد، چه بوسیله نسل گذشته و چه بوسیله نسل بعد انقلاب، نسل جدید. این که چه مقدار از این آرمانها تحقق پیدا کرده و ما به کجا رسیدیم و در چه جهتی حرکت می‌کنیم، خیلی اساسی است و پرداختن به آنها خیلی مهم است. ۷۳۸ شعاری را که مربوط به اهداف و آرمان‌های انقلاب بوده است پس از تجزیه و تحلیل می‌توان در سه دسته قرار داد: یک دسته شعارهایی که اهداف و ارزشهای سیاسی انقلاب را مطرح کردند. یعنی این انقلاب چه نوع نظام سیاسی با چه ویژگی‌هایی و با چه چارچوبی می‌خواهد ایجاد بکند؟ ۲۶۱ شعار از این شعارها در این زمینه است که حدود ۴۰٪ این شعارهاست. یعنی حدود ۴۰٪ شعارهایی که مربوط به اهداف و آرمان‌های انقلاب و انقلابیون است که آزادی‌های سیاسی، حقوق سیاسی، استقلال سیاسی و نهادهای سیاسی مطلوب در جامعه بوده‌اند. درباره اهداف و ارزشهای فرهنگی ۳۵۹ شعار بوده که حدود ۵۵٪ این شعارهاست. در زمینه آرمانها و اهداف فرهنگی انقلاب و در زمینه اقتصادی و آرمانهای اقتصادی انقلاب که ۳۹ شعار بیشتر در کل این مجموعه ۴۱۵۳ شعار نبوده یعنی حدود ۶٪ کل این شعارها. اگر بخواهیم از این قسمت برداشتی بکنیم، به ما نشان می‌دهد که مهمترین زمینه انقلاب اسلامی زمینه فرهنگی بوده و اعتراض مردم اعتراض انقلابیون به وضعیت فرهنگی حاکم در جامعه بوده است و به همین علت است که مهمترین آرمانها و بیشترین حرفها را و شعارها را در زمینه تحقق آرمانهای

۲۱۷ ارزشی فرهنگی دینی مطرح کرده و آن را مهمتر از همه در نظر گرفته است و تحقق آن را در واقع مهم‌ترین محور قرار می‌دهد. و بعد از آن و در واقع در سطح پایین‌تر، آرمانها و اهداف سیاسی قرار می‌گیرد که حدود ۴۰٪ از این شعارها در این زمینه بوده و نشان می‌دهد که اگر ما علت یابی بکنیم، یک علت اساسی علت فرهنگی است و علت بعد علت سیاسی و نفرت مردم از نظام سیاسی و وضعیت سیاسی که در آن زمان حاکم بوده و آرمانهایی که می‌خواستند جایگزین آن نظام سیاسی قبلی بکنند. در زمینه اقتصادی آنچنان حساسیت نبوده لاقلاً در آن شرایط و در آن زمان بحث اقتصادی بحث محوری مردم نبوده. این شعارها در آن مقطع مطرح می‌شود و ما وارد جریان انقلاب می‌شویم و مراحل مختلف انقلاب پیش می‌آید و حرکت و تحول و طبیعی است که در این جریان شعارها هم تدریجاً متحول می‌شوند. بعضی از شعارها کنار می‌روند بعضی از شعارها می‌مانند، این جریان به هر حال بعد از بیست و چند سال به حالا می‌رسد که ما الان در آن هستیم. بنابراین نگاهی به این جریان به نظر من بسیار مهم است. دسته اول از شعارهایی که عرض کردم به دو دسته تقسیم بکنیم اینها مربوط به گذشته می‌شوند و کما بیش بسیاری از اینها در گذشته تاریخی می‌مانند و دیگر خیلی برای مردم و برای مخصوصاً نسل جدید حساسیت برانگیز نیستند. اما دسته دوم شعارها که مربوط به آرمانهاست آن چیزی است که نه تنها کهنه نمی‌شود بلکه همچنان جلوی چشم آنهایی است که در آن جریان و فرآیند شرکت داشتند و یا آنهایی است که بعداً می‌آیند و می‌خواهند درباره انقلاب قضاوت بکنند و ببینند این انقلاب چه کرده چون بررسی و ارزیابی عملکرد انقلابها براساس شعارهای آرمانی آنها امکانپذیر است. حالا ما چگونه باید با این شعارها برخورد بکنیم آیا باید آن شعارهای دسته اول را کلاً رها کرد و شعارهای مربوط به آرمانها را همواره مطرح کرد؟ به نظر من اینطور می‌آید که در این مراسم و در این سالگردها و فعالیت‌هایی که در این راستا انجام می‌گیرد، با آن دسته از شعارها که مربوط به گذشته می‌شوند باید این نوع برخورد داشت و با شعارهای مربوط به آرمانها طور دیگر. آنچه که مربوط به شعارهای گذشته و نشان دهنده زشتی‌ها و ستمگری‌های نظام گذشته بوده، به هر حال یک زیر بناهایی دارد و معنایی درونی در آنها نهفته است که همان مبارزه با ظلم و مبارزه با زور و مبارزه با وابستگی و مبارزه با زمینه‌های مختلف فرهنگی و سیاسی است. در رابطه با آن شعارها به نظر

من باید آن معانی زیرین آنها را پیدا کرده و همچنان آنها را مطرح کرد تا روشن شود که این انقلاب برای چه آن نظام را سرنگون کرد. و چه چیزی در آن نظام بود که علیه آن این همه خونفشانی شد، این همه فداکاری و ایثارگری شد؟ زنده نگه داشتن آن چیزهایی که مردم بر علیه‌ش قیام کردند مهم است. همان‌طور که ما در قیام امام حسین (ع) همواره تأکید می‌کنیم؛ چرا امام حسین (ع) قیام کرد؟ چگونه وضعی بود که امام حسین (ع) قیام کرد تا از آن الهام بگیریم و اگر در آن شرایط قرار گرفتیم؛ نپذیریم. این زنده نگه داشتن آن معانی زیرین و محتوای آن شعارهای مربوط به وضع گذشته از این نظر بسیار مهم است. اما آنچه که مربوط به آرمانهاست، چه بخواهیم چه نخواهیم واقعیت این است که انسانها در ذهن خود عملکردها را ارزیابی می‌کنند. اما این ارزیابی‌ها ممکن است ارزیابی‌های نادرستی باشد. معمولاً ارزیابی‌ها، ارزیابی‌های درستی نیست مخصوصاً وقتی که مردم به این مباحث می‌پردازند چه بسا که تحت القائات مختلف دشمنان قرار بگیرند و می‌گیرند. در نتیجه اتفاقی که می‌افتد ارزیابی که از عملکرد انقلاب ارائه می‌شود ارزیابی ناقص و نادرست و تحریف شده و گاهی ناامیدکننده می‌تواند باشد، مخصوصاً برای نسل جدید. یک ارزیابی دیگر هم هست که واقعاً نمی‌توان آن را هم گفت ارزیابی علمی که ما بنشینیم صرفاً تعریف و تمجیدهای کلیشه‌ای را همینطور تحمل بکنیم و وانمود بکنیم که همه اهداف انقلاب به تحقق پیوست و جامعه آرمانی که انقلاب می‌خواست بعد از ۲۰ و چند سال برپا شد و ما دیگر کاری نداریم. اگر با انقلاب در این مراسم و در این دهه‌ها اینگونه برخورد کنیم، باز هم به انقلاب جفا کرده‌ایم و هیچ خدمتی را به این شکل به انقلاب نمی‌کنیم. برای اینکه چنین قضاوتی و چنین برخوردی با انقلاب و اکنش منفی نسل جوان را در پی خواهد داشت. اینطور نخواهد بود که بگوییم دشمنان ضعف را می‌گویند پس ما فقط تعریف و تمجید بکنیم تا این دو همدیگر را خنثی بکنند. اینها همدیگر را خنثی نخواهند کرد. کفه ترازو به طرف قضاوت دشمنان خواهد بود برای اینکه واقعیت‌هایی که مردم و نسل جوان ما می‌بینند جلوی چشمشان است. اما غالباً قضاوت‌های منفی بیشتر جا می‌افتد تا قضاوت‌های مثبت. به نظر من بهترین کار این است که گفتگوی بین نسلی برقرار و برگزار شود. و در این جهت‌ها باید حرکت کرد. حالا کاری که باید در این زمینه انجام داد، باید ارزیابی واقع بینانه و علمی از دستاوردهای انقلاب داشت. ارزیابی که هم نقاط قوت را نشان بدهد و هم نکات منفی را نشان بدهد. اگر

ما فقط نکات مثبت را بگوییم و واکنش منفی را بر خواهیم انگیزت، یعنی پاسخی که خواهیم شنید این است که اینها جز شعار چیزی نیست، اما اگر بیاییم واقعیت‌ها را با بررسی‌های علمی آنچنان که هست به مردم نشان بدهیم، بعد میزان موفقیت‌ها و علل موفقیت‌ها و میزان عدم موفقیت‌ها و علل آن را با زبان قابل فهم برای نسل جدید تبیین بکنیم، آن وقت است که می‌توانیم این نسل را با انقلاب همراه بکنیم. شاید باور نکنید که من در کلاس جامعه‌شناسی انقلاب کارشناسی ارشد، وقتی از دانشجو می‌پرسم که شما فکر می‌کنید دستاورد انقلاب اسلامی چه بود؟ پاسخی که می‌دهد. آدم تکان می‌خورد، چگونه چنین قضاوتی از یک دانشجوی کارشناسی ارشد در مورد انقلاب می‌شنود؟! برای اینکه این دانشجو اساساً شرایط انقلاب را درک نکرده و فقط حرفهایی را شنیده و القائات مختلفی به او شده که این چنین اثری بر او گذاشته است، خوب واضح است که او حتی در یک کلاس جامعه‌شناسی انقلاب هم به فکرش فشار نمی‌آورد که بررسی و یک تفکر علمی از خود ارائه بدهد. بنده فرضاً دانشجوییم را ملزم کردم که در زمینه‌های بیست سال گذشته قبل انقلاب و بیست سال پس از آن بررسی کنند و در زمینه مثلاً دستاوردهای آموزشی تحقیق کنند و ببینند که مثلاً روند باسوادی در کشور در آن زمان چگونه پیش می‌رفته و منحنی بکشند و بدین وسیله نشان دهند که بعد از آن چگونه پیش رفته! وضعیت روستاهای ما را با شاخص‌های علمی مشخص کنند و بیست سال قبل و روند آن را بکشند و سپس بیست سال بعد را هم ترسیم کنند و در زمینه پیشرفت‌های علمی وضعیت را در بیست سال گذشته، منحنی بکشند و این منحنی را پس از انقلاب هم بررسی کنند و ادامه بدهند تا به امروز! چه چیزی می‌بینند؟ اگر حالا در زمینه‌های دیگر هم ما بررسی‌های علمی این چنینی انجام دهیم، آنگاه نباید واهمه داشته باشیم از اینکه منحنی برگشت را هم ببینیم، اشکالی ندارد آن وقت واقع بینانه می‌شود، آن وقت دانشجو و نسل جوان کناری می‌نشینند تا ببینند چرا چنین اتفاقی افتاده؟ ما هم باید بدون تعارف بنشینیم و عملکرد خود را ببینیم که اگر اینجا موفقیت‌مان کم بوده، عوامل خارجی و داخلی آن، چه بوده است؟ و اینها را تبیین واقع بینانه بکنیم. به این شکل، با جدی گرفتن نسل جوان، خواسته‌ها، حرفها و نقطه نظرات او، وی را هم درگیر جریان انقلاب کنیم. اگر ما آنها را جدی نگیریم، حرفها و خواسته‌های آنها را جدی نگیریم و همچنان طردشان کنیم و یا به هر حال به شکلهای مختلف، آنها را از

احساس مسئولیت در قبال انقلاب دور نگه داریم تدریجاً آن چه که اتفاق خواهد افتاد جدایی نسل جوان از انقلاب و سرنوشت آن است و این بزرگترین لطمه و سنگین‌ترین آسیبی است که ممکن است به انقلاب برسد. بنابراین نتیجه آنکه، یکی از کارهای مهمی که تا کنون انجام نگرفته و به نظر من حالا زمان آن رسیده؛ پرداختن به ارزیابی علمی و واقع بینانه انقلاب است، ارزیابی شعارهای انقلاب را با شعار نمی‌توان انجام داد، بلکه ارزیابی این شعارها را باید با واقعیت‌ها انجام داد. با تبیین آنها و روشن کردن نسل جوان و آشنا کردن آن با این واقعیت‌ها ما می‌توانیم نسل جدید را درگیر سرنوشت انقلاب و نیز سرنوشت خودشان کنیم تا احساس مسئولیت در قبال انقلاب و خون شهیدان را به آنها منتقل نماییم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی